

فلسفه و پیام روز جهانی قدس



یاغیر مامور - داده اند . . .

۲- در کشورهای اسلامی و عربی رژیمهای سرسپرده، دست نشانده و بی اراده را بر سر اِکار آوردند. هنوز از نخستین جنگ جهانی، زمان نگذشته بود که مزدوران استعمار، یکی پس از دیگری در کشورهای اسلامی، قدرت را در دست گرفتند: مصطفی کمال در سال ۱۳۰۲ در ترکیه به قدرت رسید، خاندان بی فرهنگ و بیابانگرد سعودی در سال ۱۳۰۳ در سرزمین حجاز، زمام امور کشور را در دست گرفتند. همزمان با آن، خاندان هاشمی در عراق و اردن بر تخت سلطنت نشستند. رضاخان میرینج بی سواد و بی فرهنگ در سال ۱۳۰۴ به طور رسمی زمام امور کشور ایران را در دست گرفت. هر چند زمینه دستیابی او به قدرت از سال ۱۲۹۹ شمسی که هنوز از جنگ جهانی اول، زمانی نگذشته بود، فراهم گردید.

۳- عنما و روحانیان مجاهد و متعهد را که مانند کوه در برابر آژ و آرزوی استعماری آنان ایستاده بودند، کوشیدند که باشیوه‌های گوناگون از صحنه کنار زنند و به انزوا کشانند، از این رو، تنها در سال ۱۴۰۰، استعمار انگلیس در پی اشغال عراق، حدود سی نفر از مراجع و علمای بلند پایه نجف را به ایران و برخی از نقاط دیگر تبعید کرد. در میان این دسته از علمای رانده شده از عراق، از آقایان

نخستین جنگ جهانی را باید جنگ گسترده استعمارگران و نفتخواران بین المللی بر ضد جهان اسلام دانست. در این جنگ، در سال ۱۲۹۲ شمسی، بخش بسزگی از سرزمین پهناور اسلامی در اشغال جهانخواران در آمد. استعمار انگلیس سرزمین های بین النهرین (عراق)، اردن، فلسطین و کانال سوئز را اشغال کرد. فرانسه نیز بر شامات، لبنان و جبل عامل تاخت و آن مناطق را به تصرف خود در آورد.

جهانخواران در پی اشغال سرزمین های اسلامی، بی درنگ نقشه‌ها و توطئه‌هایی را بر ضد جهان اسلام در دست اجرا قرار دادند که برخی از آنها را در اینجا بر می شمیریم:

۱- سرزمین پهناور اسلامی را تکه پاره کرده به شکل کشورهای کوچک و محدود در آوردند و از تشکیل کشورهای بزرگ و مقتدر اسلامی، پیشگیری کردند. امام در این باره فرمود:

«حکومت عثمانی را با اینکه سلاطین و دولتهایش، به هیچوجه لیاقت حکومت نداشتند چون مملکت رسمی نبود و می دانستند اگر روزی يك نفر آدم پیدا شود و در اس این مملکت قرار بگیرد، بساط آنها برچیده می شود، از بین بردند و در جنگ بین المللی اول تقسیم کردند که حال ۱۴-۱۵ مملکت يك و جب در يك و جب است و هر جیبی را دست يك نفر که مامور آنها است -

سید ابوالحسن اصفهانی (مرجع تقلید بزرگ جهان تشیع)، شیخ عبدالکریم حائری یزدی (بنیانگذار حوزه علمیه قم)، میرزا حسین نائینی (صاحب کتاب تنزیه المله و تنبیه الامه)، حاج آقا جواد (صاحب جواهر)، حاج آقا حسین طباطبائی قمی و حاج آقای خالصی می توان نام برد.

۴- سرزمین مقدس فلسطین را که دیرزمانی بود مورد طمع یهودی های صهیونیست^(۱) و نژادپرست بود، به صورت کانون بحران در خاورمیانه در آوردند. در پایان جنگ اول جهانی دولت بریتانیا طبق بند و بست و قراری که میان «لرد بالفور» وزیر امور خارجه انگلیس با سران صهیونیست به عمل آمده بود، با سرازیر ساختن یهودی ها به سرزمین فلسطین و اجرای «سیاست مهاجرت یهود» زمینه پیدایش «اسرائیل» را فراهم ساخت. در اعلامیه «بالفور» آمده بود: «دولت معظم بریتانیا به تشکیل يك سرزمین برای مردم یهود، در منطقه فلسطین با نظر مساعد می نگرد و بیشترین کوشش خود را به عمل می آورد تا بدین موضوع صورت تحقق بخشد. . .»

از سال ۱۳۰۴ تا سال ۱۳۲۸ رهبران صهیونیست، انبوهی از یهودیها را از سراسر جهان به تدریج ویی سروصدابه سوی سرزمین فلسطین که در اشغال بریتانیا بود کوچ دادند و در آن سرزمین، بهتسرین و

مرغوب ترین زمین ها و ملک ها را از سرمایه داران و پول پرستان عرب خریداری کردند و بدین گونه، جای پای محکمی در فلسطین برای خود به دست آوردند و سرانجام در سال ۱۳۲۸ آنگاه که بریتانیا از سرزمین فلسطین، بیرون رفت، صهیونیستها که سالیان درازی خود را برای چنین روزی آماده کرده بودند، بی درنگ به صحنه آمدند و پس از درگیری خونین با مردم فلسطین، توانستند بر آن کشور سلطه پیدا کنند و دولت «اسرائیل» را تشکیل دهند. عوامل پیروزی صهیونیستها و به وجود آمدن «اسرائیل» را می توان این گونه برشمرد:

الف: به دنبال اشغال فلسطین از سوی بریتانیا دولتی در آن کشور حاکم نبود. از این رو، مردم آن کشور که مورد بی رحمانه ترین و وحشیانه ترین یورشهای بیگانگان قرار گرفته بودند، آمادگی پیش بینی شده برای رویارویی و دفاع از میهن خود را نداشتند و مبارزه خودجوش و پراکنده مردم در برابر حرکت منظم، سنجیده و مطرح ریزی شده صهیونیستها بی تردید نمی توانست کارائی لازم را داشته باشد.

ب: فلسطینی ها ابزار و اسلحه پیشرفته و مدرن برای جنگ و ستیز با تجاوزکاران دردست نداشتند، در صورتی که صهیونیستها با پیشرفته ترین و مدرن ترین سلاح های نظامی با مردم فلسطین می جنگیدند.

ج: برخی از دولتهای کشورهای اسلامی و عربی گماشته ابرقدرتها بودند و هیچگاه به خود اجازه نمی دادند که برخلاف سیاست اربابان خود، به دفاع از فلسطین برخیزند و از اشغال آن به وسیله صهیونیستها جلوگیری کنند.

اصولاً رژیمهای مجاور فلسطین اشغالی سرنوشتشان با سرنوشت صهیونیستهای اشغالگر گره خورده بود و چیرگی توده های فلسطینی بر صهیونیستها با بیداری و خیزش دیگر مردم عرب و واژگونی آن رژیمهای دست نشانده و ارتجاعی مساوی بود. چنانکه امروز نیز رژیمهای اردن و سعودی و بسیاری دیگر از رژیمهای وابسته و مرتجع عرب به درستی می دانند که زوال اسرائیل به سرنوشتی آنان

منجر خواهد شد. از این رو، در آن روز و نیز امروزه در راه حفظ کیان صهیونیسم و کنترل خیزش های مردمی، مانند گماشتگان و نگهبانان عمل کرده و می کنند.

عبدالکریم قاسم که فرماندهی ارتش عراق در جنگ با تجاوزکاران صهیونیست را در سال ۱۳۲۷ شمسی برعهده داشته، در خاطرات خود نوشته است: «... ارتش عراق تا قلب فلسطین پیشروی کرد و سنگرها و دژهای صهیونیستها را یکی پس از دیگری به تصرف خود در آورد و چیزی نمانده بود که فلسطین را به طور کامل رهائی بخشد. لیکن در این میان از بغداد فرمان عقب نشینی داده شد و ما ناگزیر شدیم همه آن مواضعی را که با جانفشانی گرفته بودیم، باز پس دهیم و به سر جای اول خود بازگردیم...!»

د: تاکتیک اشغالگران انگلیس در تخلیه سرزمین فلسطین نیز نقش مهمی در پیروزی صهیونیستها داشت زیرا نخست بخش یهودی نشین را تخلیه می کردند و دست تروریست های صهیونیست را برای سنگربندی، تحکیم مواضع و هجوم و کشتار باز می گذاشتند، سپس از بخش مسلمان نشین عقب می نشستند و جنگجویان و رزمندگان فلسطینی پیش از آنکه فرصت سنگربندی و آمادگی دفاعی پیدا کنند با یورش همه جانبه و وحشیانه صهیونیستها

روبروی شدند و حتی فرصت دفاع از خانه و کاشانه خود را نیز نمی یافتند.

بدین گونه اسرائیل در سال ۱۳۲۸ شمسی در قلب جهان اسلام پدید آمد و در راه شعله ور نگاه داشتن آتش جنگ، فتنه و فساد در خاورمیانه و پیشگیری از به قدرت رسیدن توده های مسلمان و آزادیخواه در کشورهای اسلامی و تامین منافع استعماری ابرقدرتها، توطئه های دراز مدت و گسترده ای را آغاز کرد و ادامه داد. و میلیونها انسان را از خانه و کاشانه آنان در سرزمین فلسطین بیرون کرد و آواره بیابانها ساخت.

استکبار جهانی مردم عرب و فلسطین را دریافتن راه و روش آزادی فلسطین نیز به بیراهه کشانید و فریب داد. در مرحله نخست فاجعه فلسطین را از جهان اسلام جدا کرد و به عنوان مشکله مردم عرب جا انداخت!

عالمان مجاهد و آگاه جهان اسلام مانند آیه الله سید ابوالقاسم کاشانی در آن روز و روزگار، تلاش فراوانی کردند تا رسالت و مسئولیت ملت های مسلمان در قبال فلسطین را به آنان گوشزد کنند و جهان اسلام را در راه آزادی فلسطین به حرکت و خروش وادارند لیکن صدای آنان به جایی نرسید و رژیمهای دست نشانده و وابسته به استکبار جهانی این گونه صداها را در گلو خفه کردند و از انعکاس آن در میان ملت های مسلمان پیشگیری به عمل

و پیروی از سیاست شوروی کوشیدند که صهیونیستها را از سرزمین فلسطین بیرون بریزند و میلیونها آواره آن سرزمین را به خانه و کاشانه آنان باز گردانند لیکن نه تنها به این آرمان دست نیافتند بلکه در سال ۱۳۴۶ که نزدیک بیست سال از اشغال فلسطین به وسیله صهیونیستها می گذشت، در جنگی که میان اعراب و «اسرائیل» رویداد بخش دیگری از خاک فلسطین (بیت المقدس) را که در دست اردن مانده بود، همراه با ارتفاعات «جولان» در سوریه و صحرای سینا در مصر نیز از دست دادند.



با شکست دولتهای ناسیونالیست عرب در جنگ با اشغالگران فلسطین و سقوط بیت المقدس و مسجد اقصی (قبله نخست مسلمانها) به دست صهیونیستها در سال ۱۳۴۶، ناتوانی دولتها و ارتش های عربی که با ایدئولوژی وارداتی و با تکیه بر ابرقدرت مناقق شوروی می خواستند فلسطین را رهائی بخشند، بیش از پیش بر مردم محروم و آواره فلسطین آشکار گردید و برای آنان روشن و میرهن ساخت که باید روی پای خود بایستند و به دست خویش سرزمین از دست رفته خود را آزاد سازند. از این رو، سازمانهای آزادیبخش فلسطینی یکی پس از دیگری اعلام موجودیت کردند لیکن متاسفانه همان کژ راههای را در پیش گرفتند که دولتهای مردمی و ضد استعماری عرب پیشه کرده بودند. این سازمانها نیز هر یک با تکیه به یکی از «ایسم ها» و ایدئولوژی های وارداتی به صحنه آمدند، گروهی با شعار ناسیونالیستی و ملی گرائی، دسته ای با شعار سوسیالیستی و جمعی با شعار مارکسیستی و بار دیگر با تکیه به شوروی مبارزه چریکی با اشغالگران فلسطینی را آغاز کردند لیکن جز قربانی شدن بهترین جوانان فلسطینی و آوارگی و در بدری بیشتر طرفی برنستند و برخی از این سازمانها که در پی ۲۰ سال فعالیتهای چریکی هیچ دستاورد چشمگیری به دست نیاورده بودند، به نومیدی و سرخوردگی شدیدی دچار گردیده و سراسیمه سازش، معامله و کارهای دیپلماسی کشیده شدند و به بیراهه پوئی ادامه دادند. در این شرایط که ناتوانی، نومیدی،

آوردند.

دومین ترفند استعماری برای به بیراهه کشاندن مردم فلسطین و عرب این بود که آنان را تا مدتی به امید اقدام جدی سازمانهای بین المللی سرگرم و چشم انتظار نگاه داشت! آوارگان فلسطینی سالیان درازی در زیر چادرها و در اردوگاه ها دست روی دست گذاشتند تا سازمانهای بین المللی و افکار جهانی! زمینه بازگشت آنان به فلسطین را فراهم سازند! غافل از آنکه سازمانهای بین المللی و افکار جهانی و... در دست زورمداران حاکم بر جهانند و جز فریب و اغفال توده های محروم و ستمدیده کاری نمی کنند.

سپس آوارگان فلسطینی را به امید دولتهای عربی که خود از دست نشانندگان ابرقدرتها و از هم سنگران صهیونیستها بودند سرگرم ساختند تا این دولتها در راه آزادی فلسطین گامی بردارند و به سرگردانی و آوارگی آنان پایان دهند. و این خود فرصت طلانی برای اشغالگران صهیونیست پدید آورد تا دولت غاصب و نوپای «اسرائیل» را در سرزمین

فلسطین تحکیم بخشند.

در این میان برخی دولتهای مردمی و ضد استعماری در بعضی از کشورهای عربی زمام امور را در دست گرفتند و در میان مردم آواره فلسطین نیز جنب و جوشهای رهائی بخش پدید آمد لیکن از آنجا که ایدئولوژی این گونه حرکتها و دولتها، انحرافی بود نتوانستند طرفی بریندند. دولتها و حرکتهاى ضد صهیونیستی بر آن بودند که با تکیه به مکتب ها و «ایسم» های وارداتی مانند ناسیونالیسم، سوسیالیسم و بان عربیسم و نیز با یاری گرفتن از ابرقدرت بازیگر شوروی فلسطین را آزاد کنند و روشن است که این شدنی نبود.

شوروی جنایت کار که در پیدایش «اسرائیل» نقش ریشه ای داشت نه تنها مردم عرب را هرگز فرصت و رخصت آمادگی نظامی و سیاسی برای آزادی فلسطین نداد بلکه نیرنگ بازیها و از پشت خنجر زدن آنها را بیش از پیش به ذلت و تباهی کشانید.

دولتهای فریب خورده، سالیان درازی با تکیه به شعارهای ناسیونالیستی و سوسیالیستی

سرخوردگی و شکست های پیاپی ملت عرب و فلسطینی را به تباهی، و مرز تسلیم و سازش کشانیده بود، یکباره پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، جهان را لرزاند و بر آسمان تیره و غمبار مردم فلسطین نور پاشید و بر کالبد نیمه جان فلسطین روح تازه ای دمید.

امام (سلام الله علیه) با اعلام روز جهانی قدس کوشیدند راه رهائی فلسطین را به ملتها نشان دهند و آنانرا از یوچی، نومییدی و سردرگمی برهانند. از این رو، در تاریخ ۱۶/۵/۱۳۵۸ طی پیامی به مسلمانان جهان، اعلام کردند:

«... من... جمیع مسلمانان جهان را دعوت می کنم آخرین جمعه ماه مبارک رمضان را که از ایام قدر است و می تواند تعیین کننده سرنوشت مردم فلسطین نیز باشد، به عنوان روز قدس انتخاب و طی مراسمی همبستگی بین المللی مسلمانان را در حمایت از حقوق قانونی مردم فلسطین اعلام نمایند...»

روز جهانی قدس که از سوی امام اعلام گردیده است، پیام هائی با خود به همراه دارد که برخی از آن را در این مقاله کوتاه بر می شمیریم:

۱- روز جهانی قدس به همه مسلمانها در سراسر جهان هشدار می دهد که سرنوشت فلسطین از سرنوشت آنان جدا نیست و پیروان اسلام باید خود را در مصیبت مردم فلسطین سهیم بدانند و در راه رهائی آن سرزمین از چنگال صهیونیستها، همه نیز و اماکنات خود را به کار گیرند.

۲- روز جهانی قدس به عموم ملت های مسلمان - به ویژه به مردم فلسطین - یادآوری می کند که تنها با پیروی از مکتب انسان ساز و انقلابی اسلام، می توان فلسطین و دیگر سرزمین های اسلامی را از چنگال صهیونیستها و دیگر دشمنان اسلام رهانید، نه با ایده تئولوژیهای عاریتی و وارداتی و شعارهای ملی گرایانه.

۳- مردم فلسطین، تنها با تکیه بر نیروی خویش می توانند مبارزه رهائی بخش خویش را پیش برند و باید از اصل «نه شرقی - نه غربی» منحرف نشوند.

● عالمان مجاهد و آگاه جهان اسلام مانند آیه الله سید ابوالقاسم کاشانی در آن روز و روزگار، تلاش فراوانی کردند تا رسالت و مسئولیت ملت های مسلمان در قبال فلسطین را به آنان گوشزد کنند و جهان اسلام را در راه آزادی فلسطین به حرکت و خروش وادارند لیکن صدای آنان به جایی نرسید و رژیمهای دست نشانده و وابسته به استکبار جهانی این گونه صداها را در گلو خفه کردند و از انعکاس آن در میان ملتهای مسلمان پیشگیری به عمل آوردند.

۴- راه آزادی فلسطین خون و ایثار و شهادت است، مسئله فلسطین در میدان های جنگ حل می شود نه در پشت میز مذاکره و سازش با دشمنان دیرینه اسلام.

۵- ملت اسلام با تظاهرات و راهپیمائی در این روز مقدس باید در راه آزادی، استقلال و سربلندی جهان اسلام گام بردارند و نه تنها در اندیشه خشکانیدن ریشه سرطانی صهیونیسم باشند بلکه باید در راه نابودی نظام های سرمایه داری و کمونیستی نیز کوشش کنند.

امام در پیام ۵۹/۵/۱۸ خود اعلام می دارند:

«... روز قدس فقط روز فلسطین نیست، روز اسلام است... من روز قدس را روز اسلام و روز رسول اکرم (ص) می دانم. (روز قدس) روزی است که ما باید در تمام قوا خودمان را مجهز کنیم و مسلمین را از آن انزوائی که آنها را کشانده اند، خارج کنیم تا با تمام قدرت و قوت در مقابل اجانب بایستند...»

و در پیام تاریخی خود در سال ۱۳۶۶ اعلام می فرمایند:

«... ما در صدد خشکانیدن ریشه های فاسد صهیونیسم، سرمایه داری و کمونیسم در جهان هستیم. ماتصمیم گرفته ایم به لطف و عنایت خداوند بزرگ، نظام هائی را که بر این سه پایه استوار گردیده اند، نابود کنیم و نظام رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم را در جهان استکباری ترویج نمائیم و دیر یا زود ملتهای دربند شاهد آن خواهند بود...» انشاء الله.

۱- حکومت اسلامی - درس دوم - ص ۳۴

۲- «صهیون» به معنای کوه پر آفتاب است. گاه منظور از این اسم تمام شهر «اورشلیم» در فلسطین اشغالی می باشد. لیکن بیشتر کوه جنسوی غربی در این شهر مقصود است.

«صهیونیسم» به عنوان يك مکتب و ایدئولوژی است و به معنای نهضت ملی یهود با الهامات مذهبی و سیاسی و هدف از آن بازگشت یهودیان به سرزمین فلسطین می باشد.